

# شوپنرپاور

آر. راج سینگ

مترجم: مهدی قنبری



۱۳۹۸

سرشناسه: سینگ، آر. راج، ۱۹۲۸ - م. Singh, R. Raj, 1948

عنوان و نام پدیدآور: شوپنهاور / آر. راج سینگ؛ مترجم: مهدی قنبری

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۷

مشخصات ظاهری: پانزده، ۲۳۳ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۶-۷۲۶-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Schopenhauer: A Guide For The Perplexed, 2010.

موضوع: شوپنهاور، آرتور، ۱۷۸۸ - ۱۸۶۰ م. Schopenhauer, Arthur

شناسه افزوده: قنبری، مهدی، ۱۳۶۶ - ، مترجم

شناسه افزوده: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی Elmi-Farhangi Publishing Co.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۹ ش ۹ / س B۳۱۴۸

رده‌بندی دیویی: ۱۹۳

شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۱۵۶۹۸

## شوپنهاور

نویسنده: آر. راج سینگ

مترجم: مهدی قنبری

ترجمه و آماده‌سازی: زانبار ابراهیمی

چاپ نخست: ۱۳۹۰

تعداد نسخه: ۱۰۰۰

حروفچینی و آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه

حق چاپ محفوظ است.



انتشارات علمی و فرهنگی

اداره مرکزی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان،

پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷ - ۱۵۸۷۵؛ تلفن: ۸۸۸۰۱۵۲؛ فکس: ۸۸۸۰۱۵۱

www.elmifarhangi.ir info@elmifarhangi.ir

وبسایت فروش آنلاین: www.elmifarhangi.com

فروشگاه مرکزی (پرنده آبی): خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، بین بلوار گلشهر و ناهید، ابتدای کوچه

گلفام، پلاک ۷۲؛ تلفن: ۲۲۰۲۴۱۴۰-۳

فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۶۶۹۶۳۸۱۵-۱۶ و ۶۶۴۰۰۷۸۶

فروشگاه دو: میدان هفت‌تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛ تلفن:

۸۸۳۴۳۸۰۶-۷

## فهرست مطالب

|       |                                      |
|-------|--------------------------------------|
| نه    | اختصارات                             |
| یازده | مقدمه                                |
| ۱     | فصل اول: زندگی متفکرانه              |
| ۳     | خانواده، کودکی، و سال‌های مدرسه      |
| ۸     | روزهای دانشگاه شوپنهاور              |
| ۱۲    | پژوهشگر مستقل حرفه‌اش را آغاز می‌کند |
| ۱۳    | جست‌وجوی فلسفی در تنهایی             |
| ۱۶    | حکیم فرانکفورت                       |
| ۱۹    | و بالآخره شهرت                       |
| ۲۱    | فصل دوم: جهان همچون تصور             |
| ۲۵    | تصور شهودی                           |
| ۲۹    | تأمل انتزاعی یا مفاهیم عقل           |
| ۳۳    | اصل دلیل کافی                        |
| ۴۱    | فصل سوم: جهان همچون اراده            |
| ۴۲    | اراده و بدن                          |

|    |                           |
|----|---------------------------|
| ۴۶ | اراده به مثابه هستی اشياء |
| ۴۸ | اراده و عقل               |
| ۵۰ | اراده و نیروهای طبیعت     |
| ۵۳ | اراده، نزاع و معرفت       |

|    |                              |
|----|------------------------------|
| ۵۷ | <b>فصل چهارم: رنج و پوچی</b> |
| ۵۸ | رنج و اراده معطوف به زندگی   |
| ۶۶ | پوچی و رنج زندگی             |
| ۷۴ | پوچی و رنج پوچی              |
| ۷۸ | پوچی و رنج پوچی              |

|     |                                              |
|-----|----------------------------------------------|
| ۸۳  | <b>فصل پنجم: زیبایی شناسی و هنرها</b>        |
| ۸۴  | ایده‌ها به مثابه اثره‌های هنر                |
| ۸۷  | هنر به مثابه اثر یک انسان                    |
| ۸۹  | هنر و بارقه‌های رهایی اراده                  |
| ۹۵  | معماری                                       |
| ۹۷  | هنر باغبانی، نقاشی حیوانات و منظر، پیکرتراشی |
| ۹۸  | نقاشی تاریخی و پیکرتراشی                     |
| ۱۰۱ | شعر                                          |
| ۱۰۵ | موسیقی                                       |

|     |                           |
|-----|---------------------------|
| ۱۱۱ | <b>فصل ششم: معمای عشق</b> |
|-----|---------------------------|

|     |                                                                 |
|-----|-----------------------------------------------------------------|
| ۱۲۷ | <b>فصل هفتم: خوشامدی به تفکر شرقی</b>                           |
| ۱۲۸ | رویکرد شوپنهاور به تفکر شرقی                                    |
| ۱۳۲ | برخی از سوء فهم‌ها از مفاهیم شوپنهاور که با تفکر شرقی مرتبط‌اند |
| ۱۳۹ | شوپنهاور و ودانتا                                               |
| ۱۴۳ | شوپنهاور و بودیسم                                               |
| ۱۵۰ | سخن آخر                                                         |

|     |                                       |
|-----|---------------------------------------|
| ۱۵۱ | فصل هشتم: اخلاق و عدالت سرمدی         |
| ۱۵۲ | آزادی و ضرورت                         |
| ۱۵۴ | شخصیت: عقلی، تجربی، اکتسابی           |
| ۱۶۰ | درستی و خطا و مجازات                  |
| ۱۶۲ | عدالت سرمدی                           |
| ۱۶۶ | شفقت به مثابه روح اخلاق               |
| ۱۷۵ | فصل نهم: مرگ، فلسفه و زندگی پس از مرگ |
| ۱۷۶ | مرگ و فلسفه                           |
| ۱۷۸ | مرگ و زندگی پس از مرگ                 |
| ۱۸۲ | مرگ و جهنم                            |
| ۱۸۵ | مرگ، اراده و ار سرمدی درون ما         |
| ۱۸۹ | مرگ و جهان                            |
| ۱۹۰ | ما نباید وجود داشته باشیم             |
| ۱۹۵ | فصل دهم: انکار و زهد                  |
| ۱۹۷ | زهد و برترین اخلاق                    |
| ۲۰۳ | رنج و انکار اراده                     |
| ۲۰۶ | انکار و گناه نخستین                   |
| ۲۱۱ | انکار، وارستگی، و زهد                 |
| ۲۱۵ | آیا انکار اراده ممکن است؟             |
| ۲۲۱ | آثار و احوال                          |

## مقدمه

شوپنهاور هم به سبب بزرگ درخشانش در نوشتن شناخته شده است و هم به سبب اینکه متفکر، گانه است. نسل‌هایی از خوانندگان غیرمتخصص و پژوهشگران، ایده‌های او را برای برانگیزاننده و بصیرت‌زا دانسته‌اند و خواندن نوشته‌های او را چه به زبان اصلی و چه ترجمه، دلپذیر و آسان یافته‌اند. سبک جذاب شوپنهاور در نوشتن عاری از تارهای پیچ‌درپیچ مفهومی و استدلال‌های موشکافانهٔ مرسوم است که دیگر فیلسوفان، به‌ویژه فیلسوفان اروپایی را بدنام کرده است. با این حال، سرشت خواندنی آثار شوپنهاور نه از اصالب سهم و نفوذ فلسفی او در فلسفه چیزی می‌کاهد و نه نیاز به ارزیابی و تفسیر پیوستهٔ نظام فلسفی او و مفاهیم رازآمیزش را برطرف می‌سازد. درست همان‌طور که، در اولین نگاه، خواندن آثار فیلسوفان بزرگی مثل افلاطون، دکارت، هیوم، و نیچه آسان به نظر می‌آید، اما نیازمند تحلیل و تفسیر بسیار است، آثار شوپنهاور هم از دید گاهی فلسفی می‌تواند بسیار سردرگم‌کننده باشد. دامنهٔ تحقیقات فلسفی شوپنهاور بصیرت‌هایی از اندیشهٔ دینی را شامل می‌شود؛ اخلاق و عرفان مسیحی منابع مورد علاقه‌اش بودند. این

تحقیقات، همچنین، بصیرت‌هایی از مرشدان و آموزگاران کلاسیک را در بر می‌گیرد که دانش وسیع شوپنهاور از منابع یونانی و لاتین، فهم آن‌ها را آسان می‌سازد. او اغلب به کاوش در اندیشه‌های موجود در ادبیات زبان‌های مدرن اروپایی می‌پردازد و به نویسندگانی مثل گوته<sup>۱</sup>، بالتاسار گراسیان<sup>۲</sup>، و کالدرون<sup>۳</sup> ارجاع می‌دهد. اینکه شوپنهاور فیلسوفان شرق و غرب را پیکره معرفتی واحدی در نظر می‌گیرد، و حرمت بسیاری برای نظام‌های اندیشه هندوئیسم و بودیسم قائل است، حاکی از سردی میان‌فرهنگی در روش‌شناسی فلسفی اوست که از زمانه امپریالیسم حلوتر بود. اینکه شوپنهاور زندگی جالب توجهی داشته است که رزاع زندگی‌نامه‌های بسیاری قرار گرفته، و این واقعیت که فلسفه او با مسائل زندگی و با دیگران بودن درآمیخته است، اندیشه و شخصیت رازآمیز او را مستحق برای مفسر غامض‌تر می‌سازد. در کنار همه این ویژگی‌های خاص فلسفه شوپنهاور، دلبستگی او به آثار فیلسوفان گذشته، به ویژه افلاطون و کانت که نظامش از آن‌ها بسیار متأثر شده بود، نیازمند بررسی است. اصالت ایده‌های شوپنهاور را این واقعیت محرز می‌سازد که او تأثیر چشمگیری بر بسیاری از فیلسوفان اروپایی و انگلیسی و نویسندگانی مثل نیچه، واگنر، نولستری، ترگنیف، فروید، پروست، توماس هاردی، توماس مان، ویتگنشتاین و بسیاری دیگر داشته است. اینکه شوپنهاور یکی از معدود اندیشمندانی بوده است که با عزمی قهرمانانه با حقایق تاریک زندگی روبه‌رو شده است، نه تنها اندیشه او را به گونه‌ای بی‌بدیل جذاب می‌کند، بلکه مفسر را نیز به چالش می‌افکند. بر اساس این دلایل، خواننده جدی نمی‌تواند صرفاً آثار خود شوپنهاور را بخواند و بر اساس دریافت‌های اولیه‌اش قضاوت کند. بنابراین وظیفه ادبیات دست‌دوم ارائه سنجش‌ها و تفسیرهایی از نظام

1. Goethe

2. Baltasar Gracian

3. Calderon

اندیشه اوست، نظامی که به گونه‌ای یگانه پرورده شده و مبتنی بر اندیشه‌ای واحد، یعنی اراده معطوف به زندگی است. از نظر او اراده معطوف به زندگی هستی مرکزی همه موجودات از جمله انسان‌هاست. بسیاری از دیگر مفاهیم شوپنهاور نیز که پیرامون این نقطه مرکزی، یعنی اراده، می‌گردند برای دانشجویان علاقه‌مند به فلسفه او به همین میزان گنج‌کننده‌اند. خواننده غیرمتخصص که بدون پیش‌زمینه‌ای از تاریخ فلسفه آثار خود شوپنهاور را می‌خواند، اظهارات او را سردرگم‌کننده خواهد یافت و به قضاوت‌های ساده‌انگارانه، به ویژه در مورد بدبینی این متفکر، حایل خواهد شد.

هدف این کتاب ارائه توصیفی آسان‌فهم از شوپنهاور برای دانشجویان و خوانندگان غیرمتخصص است، و در عین حال در کنار سنجش‌های انتقادی نویسنده، تفسیری اصیل را از شوپنهاور در اختیار دانشجویان حرفه‌ای قرار می‌دهد. از آنجا که شوپنهاور لب لباب نظام اندیشه‌اش را در اثر اصلی‌اش، جهان‌ها چون اراده و تصور<sup>۱</sup> ارائه داده است و در آثار بعدی صرفاً جوهر همان جهان‌بینی را تکمیل و تشریح کرده است، در این کتاب تصمیم گرفته‌ام که علاوه بر همین اثر تمرکز کنیم و ثانیاً، بر دیگر آثار مهم این اندیشمند، به ویژه هم‌رفته، در این راهنمای سرگشتگان، تلاش ما این بوده است که به متن اصلی اجازه دهیم خود سخن بگویند. ما از ارجاع به انبوه ادبیات دست دوم و سنجش آن خودداری کرده‌ایم، مگر در موارد معدود و بسیار مهم در برخی از فصل‌ها. ویژگی یگانه این کتاب این است که تحلیل قابل ملاحظه‌ای از منابع شرقی شوپنهاور ارائه می‌دهد و تفاسیر خود شوپنهاور از ودانتا و بودیسم را از نظر گاه‌های گوناگون تشریح می‌کند. برخلاف هر کاوش دیگری در باب کل فلسفه شوپنهاور، این کتاب به اجمال نشان خواهد داد که چگونه شوپنهاور برخی از مفاهیم شرقی را در نظام خودش

می گنجاند و مدعی جایگاه یکی از نخستین متفکران فرافرهنگی در غرب می شود. اما این راهنمای سرگشتگان و امداری شوپنهاور به اندیشه شرقی را به بهای نادیده گرفتن پیوندهایش با میراث فلسفی غرب برجسته نمی کند، بلکه تأثیر اندیشه افلاطونی و کانتی و دیگر چهره های تاریخ فلسفه غرب را بر نظام شوپنهاور نیز به یکسان عیان می سازد.

در فصل نخست، خطوط کلی زندگی شوپنهاور از نو ترسیم شده است تا اطلاعات مهمی درباره اقامت موقتی او روی کره خاکی که یگانه و تاسف آلوده بار اما پر جنبش و سرزنده بود در اختیار خواننده بگذارد. این فصل بر سیر و سلوک فکری شوپنهاور نوشته ها و تلاش هایش برای پاسخ گویی به انتادات ناروا و درشت دیگر زندگی نامه نویسان او تمرکز می دند، آنکس که خبی از کاستی های آشکار شخصیت این بدبین بزرگ را نادیده نگارد. فصل دوم این تز شوپنهاور را مطرح می کند که جهان در وهله نخست، از صورتات سوژه تشکیل شده است و علاوه بر آن دیدگاه های او درباره دریافت، عقل و معرفت انسانی را نیز تشریح می کند. همچنین در این فصل خلاصه ای از اثر بسیار مهم پیشین او که درباره اصل دلیل کافی است ارائه می شود که بنا به توصیه شوپنهاور مطالعه آن برای فهم نظام او ضروری است. فصل سوم اظهار مؤکد شوپنهاور بر این نکته را تشریح خواهد کرد که نیروی پویا و پایدار در همه موجودات وجود دارد که باید «اراد» نامیده شود. ویژگی های اساسی این مفهوم بسیار مهم در اندیشه شوپنهاور محسوس در جهان همچون اراده و تصور توصیف شده اند، اما در همه نوشته های دیگر او نیز به آن ها اشاره می شود. در فصل چهارم، جنبه های رنج و پوچی زندگی انسان چنان که این فیلسوف بدبین توصیفش می کند به طور کامل بررسی می شود و پیش فرض ها و تأثیرات مهم ایده های

شرقی در این مسئله آشکار می‌شود. در این فصل، سرشت رئالیستی انتقادات نیشدار شوپنهاور از خودپسندی انسان و بی‌اعتنایی او به درد و رنج دیگران مطرح شده است. فصل پنجم نظریه‌های شوپنهاور درباره زیبایی‌شناسی و صورت‌های مختلف هنر مثل معماری، نقاشی، درام و موسیقی را بررسی می‌کند. فلسفه هنر اصیل او که تقریباً یک چهارم از نوشته‌هایش به آن اختصاص می‌یابد در این فصل تحلیل شده است.

فصل ششم دیدگاه فلسفی شوپنهاور درباره عشق رمانتیک میان درجنس را بررسی می‌کند، موضوعی که به ندرت، محل توجه دیگر فیلسوفان بوده است. در این فصل، بسیاری از نکات ظریف این موضوع جذاب مطرح شده است. در فصل هفتم، در باب پیوند کلی شوپنهاور با تفکر شرقی، به ویژه ودانتا بودیسم به تفصیل بحث شده است. تفسیر او از برخی مفاهیم شرقی به نظر نقادانه‌ای ارزیابی شده است. بسیاری از سوءفهم‌ها از مفاهیم اصیل خرد در مثل مفهوم رنج، نامطلوبیت اخلاقی جهان و عدالت ابدی که ناسی از سوءفهم و عدم آشنایی با منابع شرقی است نیز توضیح داده شده است. در فصل هشتم، تفسیر او از مفاهیم اخلاقی معمول از نقطه نظر برتر اراده به طور کامل ایضاح می‌شود. فصل نهم دیدگاه‌های شوپنهاور درباره مرگ، و پیوند آن با فلسفه به معنای دقیق کلمه را در کنار ایده‌های او درباره هرگونه زندگی ممکن پس از مرگ برای انسان مطرح می‌کند. جایگاه شوپنهاور به عنوان دانشمند مرگ در سنت سقراطی در کنار این واقعیت کاویده شده است که مضمون مرگ در همه بزنگاه‌های اندیشه او حاضر است. فصل دهم این دیدگاه شوپنهاور را به بحث می‌گذارد که انکار اراده اوج زندگی برتر اخلاقی و امکانی یگانه از هستی انسانی است. در این فصل توضیح داده می‌شود که از نظر شوپنهاور، زهد همیشه محصول زندگی‌ای است که در آن اراده انکار می‌شود و رستگاری باید مسئله نهایی نه فقط ادیان، بلکه هر فلسفه‌ای باشد.